

امداد و نجات غیر مسلمان از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام *

□ محمدعلی نجیبی **

□ عبدالرحمن حیدری ***

چکیده

غیر مسلمان، به کسانی اطلاق می‌شود که منکر حقانیت اسلام یا ضروریات آن است. از منظر فقه اسلامی، آیا نجات غیر مسلمان جایز است یا خیر؟ مقاله حاضر از نگاه فقه اسلامی به ریشه‌یابی این مقوله پرداخته است. از دیدگاه فقه امامیه امداد و نجات، وقف، وصیت، صدقه واجب و مستحب و پرداخت از سهم مؤلفه القلوب، همه این موارد برای غیر حربی و مرتد فطری مورد تأیید می‌باشد. اگر در مواردی ریشه حیاتی و سلامتی غیر مسلمان در خطر باشد، امداد و نجات آنها جایز بوده، چنانچه این‌گونه موارد در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پس از آن، مورد اهتمام و جامه عمل پوشیده است. **کلیدواژه‌ها:** امداد، نجات، غیر مسلمان، فقه.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۷/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰.

** فارغ التحصیل سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه (Alimnajibi@yahoo.com).

** کارشناسی ارشد فقه و اصول مجتمع آموزش عالی فقه (نویسنده مسئول) (heidari55@yahoo.com).

مقدمه

غیر مسلمان کسی است که به ضروریات اسلام یا یکی از آنها معتقد نباشد و در این زمان شامل حربی، ذمی، معاهد (مستأمن)، پناهنده، والدین و زنان و کودکان غیر مسلمان می‌شود.

عنوان اولی امداد و نجات غیر مسلمان است؛ زیرا اسلام دعوت به صلح، حسن معاشرت با هم‌نوعان و توجه دادن آنها به فرهنگ غنی اسلام نموده است، به شرط اینکه جاسوس، عهدشکن، خیانت‌کار، فاسد، معاون کافر حربی و حربی نباشد. وقف برای غیر مسلمان، صدقه واجب و مستحب، پرداخت از سهم مؤلفه القلوب، و وصیت برای آنها از منظر فقه اهل بیت علیهم‌السلام مجاز است و این حکم مستند به قرآن کریم، روایت و سیره ائمه است.

مفهوم امداد

واژه «امداد» به لحاظ لغوی از ریشه «مد» است «به نوعی به کمک رسانی به نحو متصل و پی‌درپی اطلاق می‌شود، و در کارهای نیک به کار می‌رود» (امیدی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۸). «ریشه واحد آن، بر کشاندن شیء در درازی (طول) دلالت می‌کند و متصل شدن چیزی به چیزی را در درازی می‌رساند (ابوالحسین، ۱۴۰۴: ۵/۲۶۹).

امداد در اصطلاح فقهی «دارای مفهوم مطلق است و به جهت اطلاقش، هرگونه کمک، یاری، خدمت و نوع دوستی را شامل می‌شود» (امیدی فرد، ۱۳۹۳: ۷۶).

"امداد" در اصطلاح عبارت است از: «نیروی که برای پشتیبانی و تقویت نیروی در حال جنگ، فرستاده می‌شود. وقتی گفته می‌شود: هزار مرد را به کمک او فرستاد» (زمخشری، ۱۹۷۹: ۸۵۸).

نجات

واژه نجات در لغت به معنای: «رهایی، آزادی و رستگاری» (دهخدا، بی تا: ۱۴). «امنیت» (آذرتاش، بی تا: ۱) به کار می‌رود. برخی نیز این‌گونه معنا کرده‌اند: «النجاء: الخلاص من الشیء» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۱۵)؛ رها شده از چیزی را نجات گویند: «از هلاکت نجات پیدا کرد و رها شد» (فیومی، ۱۴۱۴: ۹۵۹).

راغب در مفردات آورده است: «اصل نجا به معنای جدا شدن از چیزی است و از این قبیل است فلانی از فلانی جدا شد» (راغب، ۱۴۱۲: ۷۲۹).

واژه "نجات" در اصطلاح «به معنای رهایی از سیطره گناه نخستین و در اسلام به معنای رهایی از شقاوت و رسیدن به سعادت و رستگاری است» (آزادیان، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

حکم

حکم در لغت به معنای منع می‌باشد: «حکم اصلش منع و باز داشتن آن برای اصلاح است و حکم در اصل منع از ظلم و ستم است. حکم لگام و دهانه حیوان را نیز به همین جهت حکم نامیده‌اند... با لگام حیوان را باز داشتیم، افسارش زدیم. حکم کردن به چیزی یعنی اینکه قضاوت بکند (راغب، ۱۴۱۲: ۲۴۸).

درباره حکم، در اصطلاح نیز تعاریف متفاوتی ارائه نموده‌اند از جمله گفته‌اند: «خطاب‌های شرعی عبارت از قانونی است که از ناحیه خدای بلند مرتبه، برای تنظیم زندگی انسان قرار داده شده است» (صدر، ۱۴۰۵: ۵۳/۱).

غیر مسلمان

غیر مسلمان، نامسلمان، بی‌دین و کافر با هم مترادف هستند. فقها برای سهولت کار از غیر مسلمان به نام کافر استفاده نموده‌اند. بنابراین کافر در لغت از ریشه «کُفِرَ» [کُفِرَ، یُکْفَرُ، کُفْرًا] به معنای جحد و انکار یک چیز، یا از ریشه «کَفَرَ» [کَفَرَ،

يَكْفُرُ، كُفْرًا] به معنای پوشش گذاشتن بر چیزی است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۴۵؛ ابن منظور، همان: ۱۴۴/۵). برخی لغت شناسان معتقدند که کفر، ضد ایمان و انکار نعمت‌های خداوند است. به شب، دریا، رودخانه بزرگ، ابر تاریک، سرزمین وسیع، زره و کشاورز کافر گفته می‌شود؛ زیرا هریک به نحوی چیزی را می‌پوشانند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲/۲۱۶).

بنابراین غیر مسلمان دارای تعاریف مختلفی است:

۱. در اصطلاح فقهی هرکه مسلمان نیست، کافر است؛
۲. در اصطلاح قرآنی کفر یک مفهوم سلبی است؛ یعنی اگر فردی یا قومی هیچ وقت اسلام بر او عرضه نشده است تا عکس‌العمل ایمانی یا عکس‌العمل مخالف داشته باشد، او مسلمان نیست، ولی کافر هم نیست؛
۳. پس از عرضه شدن، اسلام را نپذیرد و موضع مخالف بگیرد یعنی انکار کند؛
۴. کافر (غیر مسلمان) به کسی گفته می‌شود که منکر خدا، یگانگی خدا و رسالت پیامبر ﷺ باشد و یا یکی از ضروریات دین را انکار کند (طباطبایی، بی‌تا: ۱/۶۷). پس غیر مسلمان یعنی کافر و در اصطلاح فقهی «کسی است که خدا یا پیغمبر و یا یکی از ضروریات دین را انکار کند و اعتقاد نداشته باشد؛ با اینکه به ضروری بودنش توجه داشته باشد» (همان: ۶۴).
۵. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «کسی که منکر خدا است، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیغمبر بودن حضرت خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بن عبدالله را قبول ندارد» (موسوی، ۱۴۲۶: ۳۲).
۶. منافقین، در باطن از گروه کافران هستند، ولی دورویی و دوچهرگی از خود نشان می‌دهند؛ زیرا خودشان را به ظاهر از گروه مسلمان‌ها نشان می‌دهند (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۵/۹۸۸).

با نظر به تعریف یاد شده، کافر کسی است که ضروریات دین که ثابت شده و به ضروری بودن آن توجه دارد، انکار کند؛ زیرا کفر به معنای پوشاندن است. بنابراین هرکسی یکی از ضروریات دین را که برای او ثابت شده، بپوشاند و منکر شود مانند: خوارج، غلات، مجسمه، مشبه، و کسانی که به نوعی یکی از ضروریات اسلام را انکار کند به همان چیز کافر است و شامل بحث ما می‌گردد.

طرفداران عدم جواز امداد و نجات

حکم اولی در امداد و نجات جواز است، هرچند عده ای امداد و نجات غیر مسلمان را به جهت عناد و ستیز آنها با اسلام و محترم نبودن غیر مسلمان بنا بر عنوان اولیه حرام و ممنوع می‌دانند جز اینکه آنها تقاضای پناهندگی سیاسی کنند.

دلیل قائلان به حرمت امداد و نجات کافر این آیه قرآن است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (مانده: ۵۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند - از اهل

کتاب و مشرکان - ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید!

در آیه شریفه از دوستی با یهود و نصارا منع شده است؛ زیرا امداد و نجات بیانگر دوستی و محبت است که آن هم توسط

این نفی شده است.

همچنین روایات فراوانی اموال آنان را بی‌ارزش دانسته‌اند و فقها نیز بر همین اساس فتوا داده‌اند، ولی کافر ذمی که در پناه مسلمانان زندگی می‌کند و یا غیر مسلمانانی که تحت شرایط صلح و یا پناهندگی هستند، باید تحت شرایط قرارداد باشند.

پس از نظر مانعین، خطرات امداد و نجات غیر مسلمان، متوجه حکومت اسلامی یا مسلمین می‌گردد که عبارتند از:

۱. ضرر به حکومت اسلامی یا مسلمانان

از جمله موارد امداد و نجات پناه دادن، امان، معاهد و مهاجرت غیر مسلمان است که به عنوان اولی جایز است، اما وقتی مصلحت اسلام در آن نباشد و ضرری به پیکر اسلام وارد شود به عنوان ثانویه جایز نمی‌باشد. در ادامه به این موارد پرداخته می‌شود.

۲. استیلا و سیادت اقتصادی و سیاسی

در این زمینه برخی از فقها گفته‌اند: «بله، حاکم اسلامی می‌تواند کافر ذمی را از خرید زمین و سایر مستغلات باز دارد؛ اگر این خرید مقدمه سلطه اقتصادی و سیاسی کافران باشد (منتظری، بی‌تا: ۱۳۹).

بنابراین اگر غیر مسلمان برای حکومت اسلامی و سیادت اقتصادی ضرر داشته باشد، نمی‌توان به آنها کمک نمود. پس اگر آنها در سرزمین اسلامی ضرری به مسلمانان وارد نمایند و فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی ضرر داشته باشند، امداد و نجات آنها جایز نیست.

قائلان به جواز امداد و نجات غیر مسلمان

نجات غیر مسلمان در زلزله، آتش‌سوزی، سیل، تصادف و... از مسائل مستحدثه است و به حکم صریحی از متأخرین در این باره دست نیافتیم. اولین کسی که در این مورد بحث کرده شیخ عباس کاشف الغطاء^{رحمته‌الله} است که فرموده: «از ضروریات نجات دادن انسان [کافر] از هلاکت است؛ زیرا پیامبر بزرگوار اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرموده است: «لِكُلِّ كَيْدٍ حَرَىٰ أَجْرٌ»؛ زیرا سیراب کردن هر تشنه پاداشی دارد به علت اینکه امکان دارد به ایمان برگردد یا از او مسلمانی متولد بشود (شعیری، بی‌تا: ۱۳۹؛ جزری، بی‌تا: ۱/۳۶۴؛ مجلسی ثانی، بی‌تا: ۱۶/۱۸۸).

کاشف الغطاء^{رحمته‌الله} دلیل نجات کافر را مستند به روایت پیامبر اسلام^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} کرده است که فقها در باب وقف برای کفار به آن فتوا داده‌اند.

جوادی آملی دلیل جواز امداد و نجات غیر مسلمان را رفتار عادلانه می‌داند:

[اسلام] حتی در مواردی که گروهی به مسلمانان ستم کردند و آنان را از خانه و کاشانه‌شان بیرون نمودند، قرآن دستور می‌دهد، در بر خوردن با این عده نیز از جاده عدل و انصاف خارج نشود و در دفع ستم آنان عادلانه رفتار کند... و همواره در راه نیکی و پرهیزگاری باهم تعاون کند و در راه گناه و تعدی همکاری ننماید (جوادی آملی، بی‌تا: ۳۵۲).

یکی از موارد امداد به غیر مسلمان وقف نمودن است.

وقف برای غیر مسلمان

خلاصه اینکه برنامه‌های اسلام کاملاً دقیق و حساب شده است، حال باید دانست که از چه مالی و از چه طریقی به غیر مسلمان کمک شود؛ زیرا در تمام مال و اموال عمومی یا خصوصی برنامه‌هایی دقیق و حساب شده وجود دارد. وقف به مالی گفته می‌شود که عین آن باقی است و از منافع آن به طوری عمومی یا خصوصی - طبق تعیین واقف هنگام وقف - قابل استفاده است. برخی از فقها در آن قصد قربت را شرط می‌دانند که این شرط باعث اختلاف وقف برای غیر مسلمان گردیده است.

۱. وقف به خویشاوندان

شیخ مفید^{رحمته‌الله} وقف برای غیر مسلمان که از نزدیکان واقف باشد، جایز دانسته است: «وقف مسلمان بر پدر و مادرش - هر چند کافر باشند - بی‌اشکال است و نیز بر خویشاوندان نسبی کافر، ولی وقف مسلمان بر کافر غیر خویشاوند نسبی جایز

نیست» (مفید، ۱۴۱۳: ۶۵۳). شیخ طوسی رحمته الله علیه فرموده: «وقف بر اهل ذمه جایز است که از اقارب واقف باشد و دلیل ما اجماع فرقه است» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳/۵۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۹۷). همچنین نوشته است: «وقف از واقف مسلمان بر کافر جایز نیست، جز بر خویشاوندان [مسلمان که] کافر است» (همان: ۳۷۰). همچنین فرموده اند: «وقف [مسلمان] بر کافر صحیح نمی باشد جز اینکه از خویشاوند [واقف] باشد» (حلی، ۱۴۰۵: ۳۶۹).

۲. وقف فقط برای والدین

برخی از فقها قائلند که وقف فقط می تواند برای والدینش وقف کند: «وقف بر معابد گمراهان، مخالفین اسلام و یا دشمنان حق که اعتقاد به اسلام ندارد، جایز نیست جز اینکه یکی از والدین واقف باشد» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۱۵۶). در اصباح الشیعة (کیدری، ۱۴۱۶: ۳۴۶) و جامع الوفاق و جامع الخلاف (مؤمن قمی، ۱۴۲۱: ۳۶۶) نیز به همین مطلب اشاره شده است. اینها در وقف قصد قربت را شرط می دانند.

۳. وقف برای غیر نزدیکان

برخی دیگر از فقها بین غیر مسلمان حربی و ذمی تفصیل داده اند (محقق، ۱۴۱۸: ۱۵۷). کاشف الغطاء رحمته الله علیه وقف بر کافر حربی را جایز نمی داند؛ هرچند از ارحام باشد (کاشف الغطاء، ۱۴۲۴: ۳/۱۹). وی بعد از نقل مانعین و مجوزین می فرماید: «بله! اگر قطع به مفسده نداشته باشد و ظن قوی به مصلحت برود؛ چه بسا وقف [برای کافر ذمی] با زحمت جایز است» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۴: ۳/۱۹).

۴. وقف برای غیر مرتد فطری

برخی از فقها وقف برای مرتد ملی را جایز ندانسته اند:

«در [صحت] وقف برای ذمی خلاف است، و نزدیک تر به حق در حربی منع است و در مرتد غیر فطری صحیح است» (علامه، ۱۴۱۳: ۲/۳۹۲). ابوالحسن شعرانی رحمته الله علیه وقف بر کافر حربی را جایز نمی داند؛ هرچند از اقربای واقف باشد (شعرانی، ۱۴۱۹: ۲/۴۵۷). امام خمینی رحمته الله علیه وقف بر حربی را جای تأمل دانسته است (موسوی، ۱۴۲۵: ۲/۷۸؛ همان، بی تا: ص ۵۳۷؛ جوادی تبریزی، بی تا: ۱/۳۱۷).

۵. منع وقف بر غیر مسلمان

برخی از فقها، مانند سلار (سلار، ۱۴۰۴: ۱۹۸)، ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۲/۸۸). ابن ادریس رحمته الله علیه - در یک قول - قائل به منع شده اند. ابن ادریس می گوید: حتی واقف به والدین غیر مسلمان خودش هم نمی تواند وقف کند (ابن ادریس، بی تا: ۳/۱۶). فخرالمحققین فرموده است: «قوی تر نزد من این است که به طور مطلق وقف برای کافر صحیح نیست» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۲/۳۸۸).

مبنای ابن ادریس مضطرب است و فقها عدم جواز وقف را به او نسبت داده اند. وی بعد از نقل قول استادش بین وقف و صدقه، مطلبی را مطرح نموده و چنین نتیجه گرفته است: «بهرتر نزد من جواز وقف بر پدر و مادر و تمام محارم و خویشاوندان شان می باشد؛ زیرا امام او (مسلمان) را به صله ارحام واداشته است (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۱۶۰).

میرزای قمی رحمته الله علیه قصد قربت را - مانند برخی از فقها - شرط می داند و می فرماید: «بلی، اگر وقف کنند بر آنها از حیثیت کفر، صحیح نیست، به جهت عدم قصد قربت» (میرزایی قمی، ۱۴۱۳: ۴/۳۲).

۶. ادلة وقف به غیر مسلمان

قائلان به عدم جواز وقف به آیه قرآن استدلال نموده اند:

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ (المجادله: ۲۲)؛ هیچ

قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند.

بنابراین وقف نوعی مودت و دوستی است و درباره مخالفان و دشمنان رسول خدا ﷺ مودت و دوستی نهی شده است و آن چیزی که منهی عنه باشد طاعت و عبادت نیست (کرکی، ۱۴۱۴: ۱۵/۹).

جواب مانعین: اولاً؛ هرگونه علاقه و محبت به کفار مورد نهی نیست و علاقه که سبب تألیف قلوب و جذب آنها گردد امری راجح و پسندیده است؛

ثانیاً؛ آیه عام است و به آیه دیگر تخصیص می‌خورد (ممتحنه: ۹) که خداوند دعوت به عدالت کرده است؛

ثالثاً؛ ادله احسان به والدین حتی والدین کافر، لزوم وصیت به کافر، استحباب صدقه دادن به آنها و امان دادن به آنها نص است و به جهت صراحتی که دارد مقدم است و این آیه مطلق به مقدمات حکمت است؛

رابعاً؛ بر فرض که پذیرفته شود وقف بر کافر مشمول اطلاق است، این نهی تکلیفی است و موجب بطلان نمی‌شود؛

خامساً؛ خلاف مشهور است؛ چنان‌که کاشف الغطاء^{رحمته الله} جواز وقف را به اشهر نسبت داده است:

«و [منع وقف] قابل توجه است با اینکه در صحیح بودن این وقف شک وجود دارد لکن جواز [وقف] اشهر است» (کاشف الغطاء ۱۳۲۳: ۱۹/۳).

بنابراین وقتی مانع وقف به طور مطلق برای ذمی پاسخ داده شود، جواز وقف به ذمی ثابت می‌شود.

کسانی که قائل به جواز وقف تنها درباره والدین هستند، عمده دلیل شان قصد قربت است. ابن ادریس^{رحمته الله} فرموده است: «زیرا ما بیان داشتیم که از شرایط صحت وقف، [قصد] قربت به خدای تعالی است» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱۵۶/۳). میرزای قمی^{رحمته الله} فرموده است: «بلی اگر وقف کند بر آنها از حیثیت کفر صحیح نیست، به جهت عدم نیت تقرب» (میرزایی قمی، ۱۴۱۳: ۳۲/۴).

شیخ طوسی^{رحمته الله} دلیل وقف مسلمان برای خویشاوندان را «اجماع فرقه» می‌داند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۴۵/۳).

قطب الدین کیدری، مؤمن قمی^{رحمته الله} و ابن ادریس^{رحمته الله} بنا بر یک قولش به این آیه استدلال کرده‌اند: «و صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (ممتحنه: ۸)؛ «(ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱۵۶/۳؛ مؤمن قمی، ۱۴۲۱: ۳۶۶).

۴. جواز وقف بر ذمی سید عمیدالدین پس از نقل آیه: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ ... أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸) فرموده است: «این آیه واقعاً بر صحیح بودن وقف بر مرتد غیر فطری [ذمی ملئی] دلالت می‌کند» (عمیدی، ۱۴۱۶: ۱۳۵/۲).

ابی‌الصلاح و ابن حمزه نیز فرموده‌اند: مسلمان می‌تواند بر غیر مسلمان ذمی از خویشاوندانش وقف کند و به نقل از جامع المقاصد به دو آیه از قرآن استناد نموده‌اند:

- «و صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»؛ ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کنید (لقمان: ۱۵)؛ - «و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (عنکبوت: ۸)؛ ما انسان را به نیکویی به پدر و مادرش سفارش کردیم و این قول از صواب دور نیست (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۵۰/۹).

نتیجه: وقف بر غیر مسلمان یک نوع امداد و نجات غیر مسلمان است و فقها جایز دانسته‌اند.

وصیت برای غیر مسلمان

یکی از مصادیق امداد وصیت به نفع غیر مسلمان است. در این مورد چهار قول وجود دارد:

۱. عدم جواز مطلقا

نظر به صریح قرآن و روایات اگر فردی وصیت کند که هیچ کس حق مخالفت و تغییر وصیت وی را ندارد جز اینکه وصیت او به غیر رضایت خدای تبارک و تعالی باشد، در این صورت وصی می تواند وصیت موصی را به حق برگرداند. قاضی بن براج رحمته الله می فرماید: «گفته شده اگر به برخی از خویشاوندانش وصیت کند و موصی له غیر مسلمان باشد، این وصیت قابل امضا است، و [قول] صحیح آن است که وصیت بر کافر درست نیست» (قاضی، ۱۴۰۶: ۱۰۶/۲).

۲. جواز مطلقا

شیخ مفید رحمته الله وصیت بر غیر مسلمان را مطلقا جایز دانسته و فرموده: «وقتی انسان ثلث مالش را به غیر وصیت کند، دفع مال به آنچه موصی وصیت کرده واجب است اگرچه موصی له غیر مسلمان باشد» (مفید، ۱۴۱۳: ۱/۶۷۱). شهید ثانی رحمته الله نیز وصیت به غیر مسلمان را به طور مطلق جایز می داند: «پس قول به جواز [وصیت به کافر] مطلقا قوی تر است» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۶/۲۱۹). «قول به جواز مطلق تقویت می شود و فرقی بین حربی و غیر حربی خویشاوند و غیر آن نیست» (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: ۶/۳۰۹). طرفداران این قول سید محمد حسین ترحینی (ترحینی، ۱۴۲۷: ۶/۶۱)، اسحاق فیاض (فیاض، بی تا: ۲/۴۲۵) و تبریزی (تبریزی، ۱۴۲۶: ۲/۲۸۷) می باشند.

۳. تفصیل بین ذمی و حربی

شیخ طوسی رحمته الله درباره وصیت به کفار می نویسد:

«همان طور اگر به اقربای غیر مسلمان وصیت کند این وصیت جایز می باشد» (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۹۷). طبرسی رحمته الله نیز وصیت به کافر ذمی را جایز نمی داند:

«وصیت برای کافر ذمی بدون خلاف درست است و در بین اصحاب ما کسانی هستند که اگر موصی له از اقربای موصی باشد [وصیت به غیر مسلمان جایز دانسته اند] و حال آنکه فقهای دیگر این شرط را نیآورده اند و اما وصیت برای [کافر] حربی درست نمی باشد؛ زیرا دلیلی بر جواز آن وجود ندارد و به جهت احتیاط این مسئله درست نیست» (طبرسی، ۱۴۱۰: ۲/۶۶). ابن ادریس حلی رحمته الله درباره وصیت به غیر مسلمان می فرماید:

«وصیت برای کافر صحیح می باشد، فرق نمی کند از ارحام باشد یا غیر آن؛ زیرا وصیت بخشش مقدار مال بعد از مرگ است و نیت [قصد] قربت نه از شرط صحت وصیت است و نه از مصححات آن شمرده می شود» (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳/۱۸۶). شهید اول رحمته الله می نویسد: «وصیت برای ذمی صحیح است، هر چند اجنبی باشد، به خلاف کافر حربی و مرتد که هر چند از ذوی الارحام باشد، وصیت درست نیست» (شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۹۶). محقق رحمته الله نیز فرموده: «وصیت برای ذمی درست است هر چند اجنبی باشد ... بعضی از فقها وصیت به غیر مسلمان را به ذوی الارحام اختصاص داده اند و قول اول اشبه [به قواعد و ادله از اطلاقات و عمومات وارد شده در باب] است و در وصیت کافر حربی [فقها] مردد شده اند، روشن تر آن منع وصیت است» (محقق، ۱۴۰۸: ۲/۱۹۹؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۱۳). از دیگر فقهای معاصر که قائل به این تفصیل هستند: لطف الله صافی گلپایگانی است (صافی، ۱۴۱۶: ۲/۲۱۸).

۴. تفصیل بین ارحام و غیر آن

شیخ طوسی رحمته الله در مبسوط وصیت به غیر مسلمان را بین اقارب و غیر اقارب تفصیل داده است، می نویسد: «وصیت به کافر ذمی وقتی درست است که از خویشاوندانش باشد، و برای اهل حرب درست نمی باشد، در این مسئله خلاف است» (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۶۳).

ادله جواز و عدم جواز وصیت بر غیر مسلمان

۱. ادله عدم جوزاً مطلقاً

قائل به این قول تنها قاضی ابن براج رحمته الله است و ممکن است مستند فتوایش روایاتی باشد که در وسائل ذکر شده است. از اینکه می توان جواز را به اثبات رسانید دیگر نیازی به ذکر ادله این قول نیست.

۲. ادله جواز وصیت به غیر مسلمان ذمی و حربی مطلقاً

شیخ مفید: دلیل جواز را این آیه می داند: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۸۱)؛ پس کسانی که بعد از شنیدنش آن را تغییر دهند گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند خداوند، شنوا و داناست.

بنابراین اگر به کافر حربی وصیت شد و طبق وصیت عمل نشد، این تبدیل به وصیت بوده و به صریح قرآن گناه است. فقها دلیل عدم جواز وصیت برای کافر حربی را به آیه نهم سوره ممتحنه (ممتحنه: ۸) می دانند. علامه بجنوردی رحمته الله می فرماید: ولی انصافاً این آیه اخص از مدعاست؛ زیرا قسم خاص از کفار حربی را شامل می شود، نه همه آنها را؛ به قول خدای تعالی «هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند، نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند». بدون شک وصیت برای آنها از مودت منهی عنه است. پس وصیت برای آنها منهی عنه محسوب می شود و نهی در معاملات که به معنای اسم مصدری باشد، دلالت بر فساد می کند همان طوری که در اصول به اثبات رسیده است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۶/۳۲۶).

وی در جای دیگر می نویسد:

ولی این آیه اخص از مدعی است؛ زیرا هر کافر حربی با خدا و رسول خدا دشمنی ندارد، با اینکه نهی در اینجا - بر فرض تسلیم - به نفس معامله نخورده است، بلکه به عنوان لازم معامله یا ملزوم معامله می باشد و معلوم نیست که این گونه نهی دلالت بر بطلان معامله داشته باشد (همان: ۳۲۷).

سید عمیدالدین رحمته الله می نویسد:

اما وصیت برای کافر حربی و مرتد فطری ممنوع است؛ زیرا حربی چیزی را مالک نمی شود، و مال حربی در حقیقت برای مسلمانان است و آنچه در دست آنهاست چون استیلاء دارند مالک می شود. پس دفع کردن [مال] که وصیت به آنها شده، واجب نمی باشد و این [عدم دفع موصی به] به معنای باطل بودن وصیت است؛ زیرا اگر وصیت درست باشد باید دفع آن به موصی له واجب باشد. و همچنین [عدم جواز وصیت به] مرتد فطری این است که او نیز مالک نمی شود؛ زیرا اموالی را که مرتد فطری مالک بود، ملکیتش از آن زایل می شود به وارثان وی منتقل می گردد (عمیدی، ۱۴۱۶: ۲/۲۰۶).

علامه حلی رحمته الله ضمن بیان این سؤال که چرا شما در کافر ذمی جایز می دانید در حربی نه؟! در جواب می گوید: بین ذمی و حربی فرق وجود دارد:

به علت اینکه ما قائل هستیم که فرق است [بین ذمی و حربی]. ملکیت حربی، غیر لازم است و مال او قطعاً از خودش نیست و لذا دفع مال به او، واجب نمی باشد بلکه استیلاء بر مال وی جایز می باشد به خلاف ذمی که [مالش محترم است]. اگر وصیت برای حربی جایز باشد، باید یا بر وصی [میت] واجب باشد که موصی به را به او بدهد و این به جهت آنچه گذشت محال است [؛ زیرا دفع مال واجب نیست] یا اینکه دفع موصی به واجب نباشد که مطلوب همین است؛ زیرا مقصود از بطلان وصیت عدم وجوب التسلیم [موصی به] به کافر حربی است (علامه، ۱۴۱۳: ۶/۳۴۵).

برخی فقها بر عدم وصیت برای کافر حربی چنین استدلال کرده‌اند: عمل به این وصیت شرعاً اصلاً امکان ندارد؛ زیرا خود این وصیت دلالت بر فساد در ابواب معاملات دارد، مگر اینکه بگوییم این وصیت اصلاً اثر ندارد و قابل اعتنا نیست؛ زیرا امکان عمل در آن نیست و حربی خود و مالش احترام ندارد، و اعطای "موصی به" به او واجب نیست. از این هم گذشته، ادعای اجماع کرده است: «اگر وصیت برای کافر حربی درست باشد، باید دفع "موصی به" به حکم قول خدای تعالی «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (بقره: ۱۸۱) واجب باشد، و لکن به جهتی که بیان داشتیم واجب نیست؛ زیرا اجماع بر جواز استیلا بر اموال حربی داریم» (علامه، ۱۴۱۳: ۶/۳۴۵).

محقق بجنوردی رحمته الله علیه می‌نویسد:

«خلاصه: اظهر و احوط این است که وصیت بر کافر حربی جایز نیست؛ چنان‌که در شرایع آورده است: «اظهر منع است» (محقق، ۱۴۰۸: ۲/۱۹۹). در قواعد (علامه، ۱۴۱۳: ۶/۳۴۵). ایضاً (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۶/۳۴۵)، الخلاف (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۱۵۳) و جامع المقاصد (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۹/۵۰) نیز همین مطلب آمده است.

ج. مؤلفه القلوب

یکی از چیزهایی که در قرآن کریم، سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد، اختصاص بخش سهمی از زکات برای غیر مسلمان است. این خود یک نوع امداد و نجات غیر مسلمان شمرده می‌شود. دیدگاه فقها با استفاده از آیات و روایات به مصادیق مؤلفه القلوب مختلف است: برخی بر آن هستند که فقط در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و برخی قائلند بعد از پیامبر نیز ادامه دارد، منتها اول باید احتیاج ضروری مؤمنان برآورده شود و بعد در موارد نیاز غیر مسلمان مصرف شود. این مطلب بحثی طولانی دارد و مجال دیگری می‌طلبد.

قلمرو امداد و نجات غیر مسلمان

ریشه حیاتی و سلامتی

در اغلب موارد در زندگی انسان‌ها اضطرار به وجود می‌آید یکی از موارد اضطرار جایی است که سلامتی یا حیات انسان نیازمند تزریق خون، پیوند اعضا، اطعام و... باشد. در این راستا آیا می‌توان غیر مسلمان را مانند مسلمان دانست؟! عده‌ای گفته‌اند: «پیوند عضو میت مسلمان به بدن کافر، در صورت رعایت شرایط پیشین جایز است؛ زیرا وقتی اهدای عضو مسلمان با رضایت به مسلمان نیازمند، جایز شد دادن عضو به کافر نیازمند نیز به مقتضای قواعد، جایز خواهد بود و جای این توهم نیست که دادن عضو مسلمان به کافر مقتضی تسلط کافر بر مسلمان باشد، تا مصداق آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱) باشد. هیچ عنوان دیگری که موجب تحریم باشد وجود ندارد» (جمعی از مؤلفان، بی تا: ۲۵). فقها و مفسران آیه شریفه را درباره عبد و اماء مسلمانی می‌دانند که در ملک کافر باشد، ولی اگر اعضای مسلمان جزء بدن غیر مسلمان شود و حیات یک غیر مسلمان، به آن بستگی داشته باشد، آیا باز هم تسلط کافر بر مسلمان هست یا نه، بحثی است که زمان دیگری می‌طلبد.

نجات عملی

امروزه دنیا به دهکده واحدی تبدیل شده و زندگی انسان‌ها، مسلمان و غیر مسلمان به هم گره خورده است. گاهی حوادث و وقایع طبیعی، تصادم و تصادف و... پیش می‌آید که باید انسان‌ها به کمک همدیگر بشتابند، و برای نجات جان همدیگر تلاش نمایند.

نجات غیر مسلمانان در زمان فتح مکه

نمونه بسیار شکوفا از بخشش پیامبر اسلام ﷺ به غیر مسلمانان مکه، در جریان پیروزی مسلمانان بر مشرکان در فتح مکه بود. با اینکه مشرکان از هرگونه آزار و اذیتی، در حق پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ و مسلمانان دریغ نکرده بودند، و عده‌ای از مسلمانان را در جنگ‌ها به شهادت رسانیده بودند، کفار متجاوز بعد از ورود پیامبر ﷺ و سپاه اسلام، انتظار انتقام سختی را از پیامبر خدا ﷺ و ارتش اسلام داشتند. آنها تردید داشتند که تن به بردگی دهند یا همه کشته شوند؛ زیرا طبق قانون اسلام بردگی، فدیة، جزیه، تبعید و قتل در انتظار آنها بود.

اما نبی مکرم اسلام ﷺ بعد از فتح مکه دستور داد تا مسلمانان شعار دهند: «الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ»؛ یعنی امروز روز گذشت و بخشش است (مقریزی، ۱۹۹۹/۱۴۲۰: ۳۸۷/۸؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۱۹۹۲/۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۵۷). و همه مشرکان در کمال ناباوری دیدند پیامبر خدا ﷺ همه کارهای گذشته آنان را نادیده گرفت و آنان را بخشید. این امر یک نوع کمک انسان‌دوستانه بود. رهبری عظیم الشان اسلام با اینکه می‌توانست آنها را نابود کند همه را بخشید: «وَأَهْلُ مَكَّةَ كَانُوا أَسْرَى فَأَعْتَقَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ: أَنْتُمْ الطُّلُقَاءُ»؛ اهل مکه [به قانون اسلام] اسیر بودند، رسول خدا ﷺ آنها را آزاد کرد و فرمود: همه شما آزاد هستید (حمیری، ۱۴۱۳: ۳۸۴).

نجات غیر مسلمان توسط یک مالزیایی و تحسین عقلا

یک مؤذن مالزیایی با باز کردن درهای مسجد، به روی سیل زدگان غیر مسلمان چینی و هندی - که موفق نشدند خودشان را به معبد برسانند - جان بیش از هفتاد نفر را نجات می‌دهد.

این عمل انسان‌دوستانه قابل تقدیر است؛ مثلاً وقتی نخست وزیر مالزی آقای نجیب تون، این خبر را می‌شنود ناخود آگاه عمل ناجی را قابل تحسین قرار داده می‌گوید:

اسلام به ما عشق ورز [یا] دن می‌آموزد و پیامبر اسلام ﷺ نیز صرف نظر از نژاد و مذهب، در زمان نیاز به مردم یاری می‌رساند. حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: اگر کسی از دین دیگری به کمک و حمایت شما نیاز داشت، از کمک رسانی دریغ نکنید. ما نیز باید پیرو رسول الله ﷺ باشیم (حوزه: ۱۳۹۶/۸/۱۷، ۲۲: ۳۰).

اگر مؤذن آنها را در مسجد راه نمی‌داد و درب مسجد را به روی آنها نمی‌گشود، مسلماً از طرف همه عقلا مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گرفت. همان طوری که مورد ستایش قرار گرفت و عمل او نکو و یک حرکت اسلام‌گونه تلقی شده است.

امداد روز مداران شهر لندن، به مصدومان آتش‌سوزی ساختمان ۲۴ طبقه گرنفل به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی ایران، روز چهارشنبه ساختمان ۲۴ طبقه گرنفل در غرب لندن، طعمه حریق شد که در پی آن هفده نفر کشته و ۷۴ نفر صدمه دیدند و یکی از زیباترین صحنه‌ها کمک روزه‌داران مسلمانان این شهر به حادثه دیدگان و همدردی با خانواده‌های قربانیان بود.

در ساختمان گرنفل لندن بیش از ششصد نفر ساکن بودند، و حجم آتش‌سوزی به قدری گسترده و پیچیده بود که عملیات امداد و نجات؛ حتی با بهره‌گیری از چهل دستگاه خودروی آتش‌نشانی، دستگاه‌های پیشرفته اطفای حریق و با حضور بیش از دویست آتش‌نشان نیز به سادگی ممکن نشد.

یکی از تلخ‌ترین صحنه‌های این آتش‌سوزی، زمانی بود که بنا به گفته شاهدان عینی، ساکنان ساختمان به امید نجات، خود را از طبقات مختلف به پایین پرت می‌کردند.

زیباترین حرکت مردمی که در غرب لندن و در محل حادثه به وجود آمد، متعلق به مسلمانانی بود که از همان لحظات

آغازین آتش سوزی، (سحرگاه روز چهارشنبه) به دلیل بیدار بودن، به کمک حادثه دیدگان شتافتند و نقش بی بدیلی در نجات تعداد زیادی از ساکنان این ساختمان ایفا کردند؛ مسلمانانی که در ادامه و در لحظات نزدیک به افطار نیز با فراهم کردن مواد غذایی و پهن کردن سفره افطاری، خانواده‌های قربانیان، نیروهای امداد و نجات و سایر حاضران در محل را مهمان سفره افطار خود کردند.

حادثه آتش سوزی ساختمان گرنفل، سحرگاه روز چهارشنبه آغاز شد و صحرخیزان مسلمان برای برنامه‌های صحری سبب شد، تا آنها اولین کسانی باشند که در جریان آتش سوزی قرار بگیرند و قبل از هر گروه امداد و نجات و دیگران به کمک آسیب دیدگان بروند. آنها هنگام غروب چهارشنبه نیز با پهن کردن سفره افطاری در یکی از خیابان‌های مشرف به محل حادثه، تلاش کردند تا ضمن افطار کردن روزه خود، به اطعام خانواده‌های قربانیان حادثه و سایر حاضران در محل پردازند. صحنه‌های زیبایی که مسلمانان شهر لندن، در تلخی حادثه گرنفل خلق کردند، نمایش زیبایی از انسان دوستی و صلح طلب بودن مسلمانان حقیقی در جای‌جای جهان بود؛ مسلمانانی که بر خلاف بسیاری از گروه‌های قومی مذهبی مرکز سیاسی انگلستان، خود را نسبت به این حادثه بی تفاوت ندیدند و نهایت تلاش خود را برای همدردی با خانواده‌های قربانیان به کار بستند (روز نامه جمهوری اسلامی، ۱۳۹۶/۰۳/۲۷).

نتیجه

در این نوشتار امداد و نجات غیر مسلمان از منظر فقه اهل بیت علیهم‌السلام، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. غیرمسلمان (کافر) به کسی گفته می‌شود که ضروریات اسلام یا یکی از آنها - به ادله عقلی و نقلی ثابت شده - قبول نداشته یا انکار کند. اولین کسی که بحث امداد و نجات کافر را مطرح نمود، شیخ عباس کاشف الغطا (م ۱۳۲۳ق) بود. قرآن حتی به غیر مسلمانانی که پیامبر و مسلمین را از خانه و دیارشان بیرون کرده بودند؛ دستور به برخورد عادلانه و منصفانه داده است. امداد غیر مسلمان را با اموال مانند: وقف به غیر مسلمان، وصیت به آنها، مؤلفه القلوب و... است.

در وقف پنج نظریه بود: ۱. وقف به خویشاوندان؛ ۲. وقف تنها برای والدین (قصد قربت شرط می‌دانند)؛ ۳. وقف به غیر نزدیکان جایز است، به شرط اینکه کافر حربی نباشد، حتی اگر والدین کافر حربی باشند، وقف جایز نیست؛ ۴. وقف به مرتد فطری و کافر حربی و عنوان دوستی و کمک به کفر کافر باشد، جایز نیست؛ ۴. به طور مطلق وقف بر غیر مسلمان جایز نیست.

نظر برگزیده: وقف بر غیر مسلمان (کافر) حربی و مرتد فطری، جایز نیست و در بقیه موارد جایز است. دلیل مانعین ناتمام است. مورد دیگر وصیت به غیر مسلمان بود که چهار قول در آن وجود داشت: جواز، عدم جواز، تفصیل بین ذمی و حربی و تفصیل بین ذمی که خویشاوند باشد و غیر آن. دیدگاه برجسته این است که وصیت برای مرتد فطری و کافر حربی جایز نیست و به کسانی که بر کافر ذمی یا خویشاوندان مسلمان و والدین مسلمان که کافر باشند جایز نمی‌دانستند جواب داده شده.

بنابراین امداد و نجات غیر مسلمان جایز است، به شرط آنکه از کفار حربی غیر مستأمن، مرتد فطری (کمک به کفریت‌شان نشود) نباشد و ضرری به حکومت اسلامی و مسلمین نرساند.

کتابنامه

قرآن کریم.

آزادیان، مصطفی، آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبایی با نگاهی به دیدگاه رایج مسیحیت، مرکز اطلاع رسانی، غدیر.

آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، واژه نجات، بی جا، بی تا.

آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، مصحح: سید مهدی رجایی، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.

ابن زهره، حمزة بن علی حسینی، غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.

ابن براج، عبدالعزیز، المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

ابن عبدالبر، الاستیعاب، بیروت، دار الجبل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

امیدی فرد، عبد الله، و دیگران، تحلیل فقهی - حقوقی امداد و نجات، فصلنامه علمی - پژوهشی امداد و نجات، سال ششم، شماره ۴، ۱۳۹۳.

انصاری، مرتضی، رساله فی الوصایا، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

بهاءالدین نیلی نجفی، علی، منتخب الأنوار المضيئة فی ذکر القائم الحجة علیه السلام، قم، مطبعة الخيام، چاپ اول، ۱۳۶۰.

بیهقی احمد بن حسین، السنن الکبری، بیروت دار الفکر، بی جا، بی تا.

تبریزی، جواد بن علی، استفتاءات جدید، قم، بی نا، چاپ اول، بی تا.

_____، منهاج الصالحین، قم، مجمع الإمام المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.

ترحینی، سید محمد حسین، الزبدة الفقیه فی شرح الروضة البهیة، قم، دار الفقه للطباعة و النشر، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.

جزری، ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، قم، اسماعیلان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷.

جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود شاهرودی، معجم فقه الجواهر، الغدير للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

جوادی آملی، عبدالله، کتاب نقد، سال اول، شماره ۴، چاپ اول، بی تا.

حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

حسینی، عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

- مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- حفيد شيخ طوسى، فضل بن حسن، مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار، نجف، حيدر، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- حلى، يحيى بن سعيد، الجامع للشرائع، مؤسسه سيد الشهداء العلمية، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- حميرى، عبدالله، قرب الإسناد، مصحح: قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- حوزه، اخبار، به نقل از aboutislam، كد خبر: ۴۳۰۹۰۳ تاريخ مخابره: ۱۷/۸/۱۳۹۶ - ۲۲: ۳۰ سرويس: بين الملل.
- دهخدا، على اكبر، لغت نامه، دوم از دوره جديد، واژه نجات، بى تا.
- راغب، حسين، مفردات الفاظ قرآن، بيروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- روزنامه جمهورى اسلامى ۱۳۱۳، كد خبر: (۸۲۵۶۷۵۲۹) ۶۰۳۴۰۷۹، ساعت: ۴۸: ۱۱، تاريخ خبر: ۱۳۹۶/۰۳/۲۷.
- زمخشري، محمود، أساس البلاغة، بيروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۷۹.
- سالار، حمزة، المراسم العلوية والأحكام النبوية، قم، منشورات الحرمين، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- شعرانى، ابوالحسن، تبصرة المتعلمين فى أحكام الدين (ترجمه و شرح)، تهران، منشورات اسلامية، چاپ پنجم، ۱۴۱۹ق.
- شعيرى، محمد، جامع الأخبار، نجف اشرف، مطبعة حيدر، چاپ اول، بى تا.
- شهيد اول، محمد بن مكى، اللمعة الدمشقية فى فقه الإمامية، بيروت، دار التراث - الدار الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- شهيد اول، محمد، القواعد و الفوائد، قم، مكتبة مفيد، چاپ اول، بى تا.
- شهيد ثانى، زيد الدين، اللمعة الدمشقية، قم، كتابفروشى داورى، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- _____، روض الجنان فى شرح ارشاد الأذهان، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ق.
- _____، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- صافى، لطف الله، هداية العباد، قم، دار القرآن الكريم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- صدر، سيد محمد باقر، دروس فى علم الاصول، قم، دار المنتظر، بى چا، ۱۴۰۵ق.
- صدوق، محمد، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- _____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الرضى، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- طباطبائى، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى، بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- طبرسى، فضل، المؤلف من المختلف بين أئمة السلف، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- طوسى، محمد، المبسوط فى فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.
- _____، الخلاف، قم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- _____، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
- طوسى، محمد بن على بن حمزه، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- عاملى، حسن بن زين الدين، معالم الدين و ملاذ المجتهدين، قم، مؤسسة الفقه للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۸.
- عطاردى، عزيز الله، مسند الإمام الرضا عليه السلام، مشهد، آستان قدس (گنگره)، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.

- علامه اسدى، حسن، تذكرة الفقها، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- _____، إرشاد الإذهان إلى أحكام الإيمان، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- _____، نهاية الإحكام فى معرفة الأحكام، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- _____، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، بى تا.
- _____، قواعد الأحكام فى معرفة الحلال و الحرام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- _____، مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- عميدى، سيد عميدالدين، كنز الفوائد فى حل مشكلات القواعد، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- فخرالمحققين، محمد، إيضاح الفوائد فى شرح مشكلات القواعد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ق.
- فياض، محمداسحاق، منهاج الصالحين، بى جا، بى نا، بى چا، بى تا.
- فيروزآبادى، محمد، قاموس المحيط، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- فيض كاشانى، محمدمحسن، الوافى، اصفهان، كتابخانه امير المؤمنين عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- فيومى، احمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- قاسمى، محمدعلى و پژوهشگران دانشگاه علوم اسلامى رضوى، فقيهان امامى و عرصه هاى ولايت فقيه، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامى رضوى، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
- قرشى، سيد على اكبر، قاموس قرآن، تهران، دار الكتب الاسلاميه، چاپ ششم، ۱۳۶۷.
- كاشف الغطا جعفر بن خضر مالكى، شرح طهارة قواعد الأحكام، بى جا، مؤسسه كاشف الغطا، چاپ اول، ۱۲۲۸ق.
- كاشف الغطا، حسن بن جعفر بن خضر، أنوار الفقاهة، نجف اشرف، مؤسسه كاشف الغطا، اول، ۱۴۲۲ق.
- كاشف الغطا، عباس، منهل الغمام فى شرح شرائع الاسلام، نجف، مؤسسه كاشف الغطا، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- كركى، محقق ثانى، على بن حسين، جامع المقاصد، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- كيدرى، محمد، إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- محقق حلى، جعفر، المختصر النافع فى فقه الإمامية، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ششم، ۱۴۱۸ق.
- _____، شرايع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسة اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار شهيد مطهرى، قم، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۹.
- مفيد، محمد، المقنعة، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مقريزى، امتاع الأسماع، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
- منتظرى، حسينعلى، كتاب الخمس، قم، انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين قم، بى چا، بى تا.
- موسوى، سيد روح الله، تحرير الوسيله، مترجم: اسلامى، على، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
- _____، توضيح المسائل، بى جا، چاپ اول، بى تا.

_____ وسیلة النجاة مع التعالیک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، بی تا.
مؤمن قمی، علی، جامع الخلاف و الوفاق، قم، زمینه سازان ظهور امام عصر عجل الله فرجه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
میرزایی قمی، ابوالقاسم، جامع الشتات، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.